

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴: ۶۳۷-۶۶۱

بسترها و منابع گذران فراغت جوانان

(مطالعه پیمایشی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال استان کردستان)

امید قادرزاده^۱

هیرش قادرزاده^۲

حسین حسن پناه^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۸

چکیده

فعالیت فراغتی در کنار بازنمایی فردیت و تمایز، مجرای برای شناخت ذائقه، سبک زندگی و تعلقات اجتماعی جوانان به شمار می‌رود. تجربه فراغت، بیان انتخاب فردی از میان الگوهای رفتاری و گزینه‌هایی است که عوامل مکان، بستر و منابع را در برابر فرد قرار می‌دهند. در همین زمینه، پژوهش حاضر به بررسی بسترها و منابع گذران فراغت جوانان می‌پردازد. پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه، در مورد ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال استان کردستان انجام گرفت و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. بر مبنای یافته‌های توصیفی، بیش از یک‌سوم وقت جوانان در برنامه‌های فراغتی عادی و غیرعادی سپری می‌شود. در میان ابعاد فراغت عادی و غیرعادی، بالاترین میانگین به ترتیب به فراغت غیرجدی و نابهنجار اختصاص دارد. بررسی رابطه اشکال سرمایه با الگوهای گذران فراغت نشان می‌دهد با افزایش بهره‌مندی جوانان از منابع و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، فراغت عادی افزایش و فراغت غیرعادی کاهش می‌یابد. با این وصف، سرمایه اقتصادی الگوی کاملاً متفاوتی را به نمایش می‌گذارد؛ بدین معنا که سرمایه اقتصادی، با الگوی گذران فراغت عادی و غیرعادی همبستگی مثبت دارد؛ هرچند تأثیر تقویت‌کنندگی آن بر فراغت غیرعادی، بیشتر از فراغت عادی است. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد متغیرهای مذکور ۴۰/۴ درصد از تغییرات الگوی فراغت عادی و ۳۴/۵ درصد از تغییرات الگوی فراغت غیرعادی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: اشکال سرمایه، اوقات فراغت، جوانان، فراغت عادی، فراغت غیرعادی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)، o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، hersh.qaderzade@gmail.com

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، arbaba1362@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

ضرورت توجه به جوانان در جهان امروزی انکارنشدنی است؛ زیرا شتاب و تنوع تغییراتی که جوامع درحال گذار تجربه می‌کنند و تحولات ساختاری و نهادی آن‌ها، ابعاد پیچیده‌تر و مهم‌تری به مسائل جوانان بخشیده است. تحول در دوره جوانی، فردی‌شدن فزاینده و استقلال نسبی جوانان در خانواده، تحول در آموزش و فرصت‌های تحصیلی، وسعت‌یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی، سهم برجسته و تعیین‌کننده جوانان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی، پیشگامی جوانان در پذیرش نوآوری‌ها به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، اهمیت‌یافتن مصرف در منظومه ارزشی و هویتی جوانان، رواج خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی و... از جمله تحولاتی هستند که ضرورت بررسی مسائل مختلف جوانان را بااهمیت ساخته‌اند (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳؛ ذکایی، ۱۳۸۶). فعالیت‌های فراغتی، منشأ شناخت و به‌رسمیت‌شناخته‌شدن دوره جوانی و هویت‌یابی است؛ جوانان در حوزه فراغت، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می‌کنند. درواقع، اهمیت فعالیت‌های فراغتی برای جوانان در آن است که در انتخاب و مشارکت در این فعالیت‌ها آزادی بیشتری دارند تا در سایر فعالیت‌ها.

با ظهور مدرنیته و خلق تمایزات اجتماعی از طریق مصرف و نه طبقه، الگوهای متفاوت مصرف و به‌تبع آن سبک‌های گوناگون زندگی و انواع و الگوهای متفاوت گذران اوقات فراغت، منبعی برای تعریف و بازتعریف هویت‌های جدید در افراد شدند. با گذار از اجتماعات سنتی به جوامع مدرن، مقوله اوقات فراغت به‌عنوان یک نیاز ویژه نمایان‌تر شده است؛ تا حدی که اغلب صاحب‌نظران، جامعه معاصر را «جامعه فراغتی»^۱ نام نهاده‌اند (هریس، ۱۳۹۳: ۳۲).

اوقات فراغت در جوامع درحال توسعه نیز تا اندازه زیادی به فراغت در جوامع مدرن شباهت یافته است. از آنجاکه در این نوع جوامع نیز مانند جوامع مدرن، ویژگی‌های عمده فراغت نظیر فاصله‌گرفتن از اجبارهای اجتماعی- فرهنگی و جداسدن آن از سایر فعالیت‌ها، افزایش اوقات فراغت به‌علت ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان و افزایش تدریجی سال‌های تحصیل و به‌تأخیرافتادن هرچه بیشتر سن متوسط ورود به بازار کار، افزایش امید به زندگی، افزایش سن ازدواج و بهبود زندگی به چشم می‌خورد، برای افراد این جوامع نیز

اوقات فراغت ایجاد شده است. با گسترش پدیده شهری شدن روستاها و نفوذ ارزش‌های شهری، اوقات فراغت نیز محلی‌زدایی و قلمروزدایی شده است؛ بنابراین اوقات فراغت، عرصه اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته و تغییرات اجتماعی و فرهنگی معاصر معنا یافته است (مک‌کی، ۱۹۸۶: ۱۲).

اوقات فراغت، فعالیتی است که در آن، افراد فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، استعدادهای خود را می‌پروراند و شخصیت خود را رشد می‌دهند (تورکیلدسن^۱، ۱۳۸۲). براساس منشور جهانی فراغت، تأمین فراغت برای کیفیت زندگی به اندازه تأمین سلامت و آموزش اهمیت دارد (روجک^۲، ۱۳۸۸: ۱۲). برای جوانان، سبک زندگی و الگوهای کنشی در زمینه‌های مختلف از جمله گذران اوقات فراغت، با دیگر گروه‌های سنی متفاوت است (تمنا، ۱۳۹۲: ۴۵). از منظر جمعیتی و براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ می‌توان گفت ۳۱/۵ درصد جمعیت کشور را افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می‌دهند و براساس تعریف شورای ملی جوانان، این گروه سنی، جوان محسوب می‌شوند. طبیعی است نیاز به اوقات فراغت، مربوط به قشر خاصی نیست. از طرفی ذخیره اطلاعات افراد، مرزبندی‌های بیولوژیکی را محو می‌کند، اما به دلیل میزان بالای جمعیت جوان کشور، هدایت و مدیریت گذران اوقات فراغت جوانان به‌عنوان نیروی فعال جامعه، اهمیت بسیار دارد. درواقع، فعالیت‌های فراغتی برای جوانان، محل آزمون و خطا و تجربه‌اندوزی است و آنان را برای ورود به اجتماع و مسئولیت‌پذیری در آینده آماده می‌کند. بروز بزهکاری و کج‌روی در اوقات فراغت، بیش از اوقات کار است. پس این اوقات باید به‌گونه‌ای مدیریت شود تا از آسیب‌زایی آن جلوگیری شود (رفعت‌جاه، ۱۳۹۲). براین‌اساس، پژوهش حاضر در پی آن است تا براساس مباحث نظری مربوط به اوقات فراغت، چارچوبی مفهومی را پی‌ریزی کند و به این سؤال پاسخ دهد که وضعیت گذران اوقات فراغت در نزد جوانان استان کردستان چگونه است و اینکه عوامل (بسترها و منابع) مربوط به کم‌وکیف گذران اوقات فراغت کدام‌اند.

مروری بر ادبیات تجربی

در مورد گذران فراغت جوانان در دهه گذشته پژوهش‌های شایان توجهی صورت پذیرفته است که در این بخش معرفی و مرور می‌شود. ایمان و روحانی (۱۳۹۲) در مطالعه پیمایشی «بررسی رابطه مالکیت سرمایه و الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان» نشان دادند که سرمایه اجتماعی غیررسمی با الگوهای فراغتی فردگرایانه و سرمایه اجتماعی رسمی با الگوهای فراغتی فردگرایانه و جمع‌گرایانه رابطه معنادار دارد.

براساس مطالعه پیمایشی عنایت و حسینی (۱۳۹۲)، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، با الگوهای فراغتی دختران و پسران رابطه معنادار دارند، اما میان سرمایه اقتصادی و الگوهای فراغتی رابطه معناداری دیده نمی‌شود. ادریسی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو» نشان دادند که سرمایه فرهنگی با انواع فراغت جز فراغت جسمانی رابطه معنادار دارد. نتایج پژوهش ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) با عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران» نشان داد که متغیرهای هویت اجتماعی، طبقه اجتماعی، جنسیت و سرمایه اجتماعی با میزان گذران اوقات فراغت رابطه معنادار دارند. مطالعه پیمایشی غفاری (۱۳۸۷) نشان داد افرادی که فعالیت‌های فراغتی جمع‌گرایانه دارند، از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند.

در خارج از ایران نیز پژوهش‌های شایان توجهی در این زمینه انجام شده است. مطالعه پیمایشی می‌نارد و کلیبر (۲۰۰۵) نشان داد میزان سرمایه اجتماعی جوانان در آمریکا در حال کاهش است و برای افزایش سرمایه اجتماعی، عرضه خدمات فراغتی اجتماع‌محور ضرورت دارد. هاس و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به مطالعه فعالیت‌های فیزیکی دانشجویان در اوقات فراغت پرداختند. براساس نتایج، مهم‌ترین فعالیت‌های فیزیکی، دویدن، شنا کردن و فوتبال هستند. همچنین بین دانشجویان زن و مرد در استفاده از اوقات فراغت، تفاوت معناداری وجود دارد و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، نقش مهمی در اوقات فراغت افراد ایفا می‌کند. برادلی و انگلس (۲۰۱۲) در مطالعه پیمایشی «ابعاد اوقات فراغت در نوجوانان و تقویت‌های جنسیتی» نشان دادند پسران زمان بیشتری را به بازی‌های کامپیوتری و شرکت در مسابقات و فعالیت‌های فیزیکی اختصاص می‌دهند؛ درحالی‌که دختران بیشتر زمانشان را به صحبت با دوستان، خرید،

مطالعه و شرکت در فعالیت‌های خلاقانه مانند موسیقی و رقص می‌گذرانند. لیندسترم و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت: تحلیلی چندمرحله‌ای در مالمو^۱ سوئد» نشان دادند که با افزایش سرمایه اجتماعی، میزان اوقات فراغت افزایش می‌یابد. مروری هرچند گذرا بر منابع تجربی نشان می‌دهد که در اغلب مطالعات موجود، اوقات فراغت در قالب الگوهای فعالانه و غیرفعالانه، جمع‌گرایانه و فردگرایانه، مذهبی‌محور، اینترنت-محور، موسیقی‌محور، فرهنگی-اجتماعی‌محور، گردش‌محور، رسانه‌محور، ورزش‌محور، درون-خانگی و برون‌خانگی مفهوم‌سازی شده و کمتر به ابعاد آسیب‌زای آن پرداخته شده است. در پژوهش حاضر، با مفهوم‌سازی اوقات فراغت در قالب دو الگوی اصلی عادی و غیرعادی، ضمن انسجام‌بخشیدن به ابعاد و سویه‌های مختلف فراغت، به جنبه‌های مثبت و مخرب اوقات فراغت جوانان پرداخته می‌شود. این مفهوم‌سازی، دربردارنده ویژگی‌های عصر حاضر، تفاوت‌های چشمگیر سبک زندگی جوانان و بهره‌گیری از رویکردهای نوین نظری اوقات فراغت است؛ به-ویژه آنکه درمورد جوانان استان کردستان، پژوهش‌های چندانی انجام نشده است.

مروری بر ادبیات نظری

پیر بوردیو: بوردیو در کتاب تمایز با ارائه نوعی جامعه‌شناسی سلیقه، چارچوبی مفهومی برای بررسی سبک‌های زندگی و فعالیت‌های اوقات فراغت ارائه کرده است (وین^۲، ۱۹۸۸: ۲۹). به نظر بوردیو، انتخاب‌های افراد درمورد اوقات فراغت اساساً اجتماعی است و افراد سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را یاد می‌گیرند (ژروی و مگیور، ۱۹۹۴: ۲۰۰). سبک زندگی، ابزاری برای نشان‌دادن تمایز اجتماعی به‌شمار می‌آید (استوری^۳، ۱۳۸۶). به‌زعم بوردیو، تمایزات اجتماعی در طیف متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی نمود می‌یابند که به‌طور سنتی با تفریحاتی از قبیل ورزش، مطالعه، موسیقی، سینما و دیگر اعمال انتخابی مرتبطاند (وین، ۱۹۹۸: ۲۹). این فرایند تمایز است که سبک‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت را به حرکت درمی‌آورد (هی‌وود^۴ و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۲۰). (اسامی رنگی در منابع پایانی نیامده‌اند)

1. Malmo
2. Wynne
3. John Story
4. Haywood

نظریه‌های سبک زندگی و فراغتی بوردیو با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که آن را عادت‌واره^۱ می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه اوقات فراغت به وجود آورد. وی عادت‌واره را به مفهوم ذائقه^۲ در معنای عملکرد پیوند زد. ذائقه، همه کسانی را که سلیقه نسبتاً یکسانی دارند، به هم نزدیک می‌کند و از این طریق آن‌ها را از افراد دیگر جدا می‌سازد. افراد از طریق ذائقه، خود و دیگران را در جامعه طبقه‌بندی می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۲۷)؛ برای مثال، می‌توان افراد را برحسب ذائقه‌هایشان و گرایش به انواع فعالیت‌های فراغتی مانند گوش دادن به موسیقی، دیدن فیلم یا خواندن شعر دسته‌بندی کرد. تحلیل بوردیو نشانگر این واقعیت است که طبقات اجتماعی متفاوت و بخش‌های گوناگون طبقات، فعالانه پیگیر ذائقه‌های متفاوتی هستند که موضع آنان در گروه، طبقه و جامعه را بازتاب می‌دهد (ژروی و مگیور، ۱۹۹۴: ۲۰۱). در تحلیل بوردیو، مطابق با هر میدان سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد که سبک‌های زندگی گوناگون را به صورت عادت‌واره به وجود می‌آورد (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۱). به تعبیر بوردیو، اگر درصدد فهم جهان اجتماعی هستیم، باید یک بار دیگر ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرهای آن را به جهان اجتماعی معرفی کنیم. جایگاه اجتماعی هر کنشگر، متأثر از انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اشکال مختلف سرمایه، عامل اصلی در شناخت موقعیت و امکانات کنشگران در فضای کلی اجتماعی است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۴۷).

کریس روجک: استاد جامعه‌شناسی و فرهنگ دانشگاه ناتینگهام ترنت، آثار بسیاری در حوزه مطالعات فراغت نوشت. وی در سال ۲۰۰۳ به دلیل دستاوردهای برجسته در زمینه مطالعات فراغت، موفق به دریافت جایزه آلن واساپورا^۳ شد. روجک با استناد به منابع انسان‌شناسانه و منابع مربوط به مطالعات اوقات فراغت، به استدلال درباره رابطه نیرومند میان فرهنگ و فعالیت‌های اوقات فراغت پرداخت. به نظر وی، «فرهنگ بشری، نه با نیاز به کار، بلکه با زبان، رقص، خنده، تقلید مناسک و گستره متنوعی از بازی‌ها آغاز شده است» (روجک، ۲۰۰۰: ۱۱۵).

روجک در تحلیل فراغت، نوعی رویکرد کنش را پیش می‌کشد که در پی یکپارچه‌کردن مؤلفه‌های انگیزش، مکان و بستر است. مکان به شرایط بدون واسطه علیت اطلاق می‌شود که

1. Habitus
2. Taste
3. Allen V Sapor

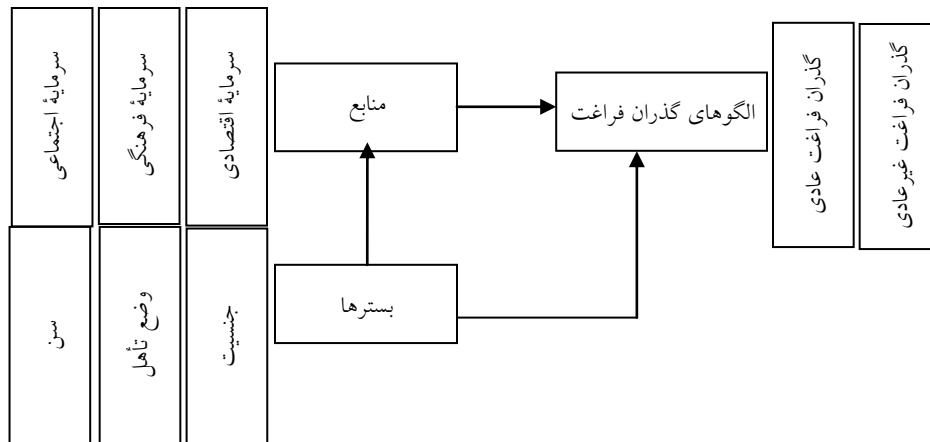
نوعی انتخاب و کنش فراغت را در پی دارد و بستر صحنه‌ای است که مکان در آن قرار دارد. مکان نقطه کانونی انتخاب و کنش فراغت است که در آن آگاهانه، وسایل و اهداف انتخاب‌های فراغت خود را جست‌وجو می‌کنیم، اما محدود کردن مطالعه فراغت به بررسی پوشش‌های مکانی، به هیچ وجه صحیح نیست. توانایی و دانش، همواره جزء پیش‌شرط‌های کنش به‌شمار می‌آیند؛ علاوه بر این، ساماندهی این منابع و بیان آن‌ها نیز همواره به صورت مشروط و در چارچوب الگوهای خاص درک می‌شود (روجک، ۱۳۸۸: ۲۷).

روجک فراغت را از اجزای مهم جامعه مدنی و شهروندی برمی‌شمارد؛ زیرا به بررسی اشتراک داوطلبانه و تعامل در مجموعه‌های غیررسمی می‌پردازد. به زعم روجک، ما با بازی کردن، آواز خواندن و رقصیدن غیررسمی با یکدیگر، راهبردهایی برای شناختن و عمل کردن در چارچوب مخصصه فراگیر جسمیت و مکانیت می‌یابیم و علایق شهروندی مشترکی را تعریف می‌کنیم که مرزهای طبقه، جنسیت، نژاد، دین و تمایزهای وابسته به منزلت را درمی‌نوردد. البته باید توجه داشته باشیم که این فعالیت‌ها ممکن است به مبنایی برای تهاجم و ستیز تبدیل شوند، اما دیدگاه مثبت از فراغت باید بر همکاری و ظرفیت بالقوه و یکپارچه‌کننده صورت‌ها و تجربه فراغت استوار باشد (روجک، ۲۰۰۶: ۳۷۲). رویکرد کنش، فراغت را صرفاً انباشت کنش‌های داوطلبانه نمی‌داند؛ به عکس، فراغت به مثابه نیروی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌شود که کنشگران را در تعیین مسیرهای تجربه فراغت مقید می‌سازد. این مسیرها نیز کنشگران را از هم تفکیک می‌کنند؛ بنابراین، مسیرهای فراغت صرفاً نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری شخصی افراد در جست‌وجوی کسب رضایت درونی نیستند؛ بلکه افراد را بر اساس معیارهای طبقاتی، فرهنگی، جنسیتی، دینی و منزلتی نیز طبقه‌بندی می‌کنند (همان: ۳۸۱). رویکرد کنش، با پشتیبانی از نقش فراغت در ارتقای سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره، از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن، این قبیل ابتکارها را گسترش می‌دهد، اما این مطلب را نیز می‌پذیرد که اجتماع و سبک زندگی، همواره در دل ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نابرابری جای دارند که در آن‌ها، ایدئولوژی همواره نحوه عملکرد قدرت را در پیشبرد منافع مستقر می‌پوشاند (روجک، ۱۳۸۸: ۲۸).

چارچوب نظری

در این پژوهش، با رجوع به دیدگاه‌های بوردیو و روجک و منابع تجربی مرتبط، بهره‌گیری از نتایج حاصل از مرور آن‌ها و تحلیل جامعه‌شناختی الگوهای گذران فراغت و بسترها و منابع آن،

چارچوب نظری پژوهش تنظیم و فرضیه‌های اصلی ارائه می‌شود. به‌زعم بوردیو، اوقات فراغت و گزینه‌های فراغتی انسان، از سبک زندگی او نشئت می‌گیرد و سبک زندگی، با جایگاه اقتصادی- اجتماعی پیوند دارد. در نتیجه، کسانی که موقعیت‌های اجتماعی مشابهی دارند، سبک‌های زندگی کم‌و بیش یکسان و ذائقه‌ها و سلیق مشابهی نیز دارند. میزان دسترسی به منابع مادی (سرمایه اقتصادی) و منابع فرهنگی (شامل سطح تحصیلات، میزان و نحوه استفاده از کالاهای فرهنگی) و ساختار روابط و شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی)، موقعیت اجتماعی و امکانات افراد را تعیین می‌کند و افراد بسته به موقعیت اجتماعی و منابع در دسترس، سبک‌های زندگی خاصی را در پیش می‌گیرند و امکانات فراغتی و سلیق خاصی می‌یابند. این امکانات (مادی و فرهنگی) و گرایش‌ها و سلیق ناشی از آن، هم بر گزینه‌های فراغتی و هم بر میزان و چگونگی فراغت آنان تأثیر می‌گذارد. از نظر روجک، اوقات فراغت یکی از عرصه‌های مهم زندگی و مصرف در دنیای جدید است؛ زیرا از سویی با سبک زندگی و انتخاب دلخواهانه رفتارها ارتباط دارد و از سوی دیگر نمایانگر سلیق، علایق و اولویت‌های ارزشی است (روجک، ۲۰۰۶: ۱۹). وی فراغت را به‌مثابه نیرویی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌کند که کنشگران را در تعیین مسیرهای تجربه فراغت مقید می‌سازد. از نظر روجک (۱۳۸۸: ۱۳۵)، صورت‌ها و تجارب فراغت، نوع شخصیت، همنشینان و تعلقات اجتماعی افراد را به دیگران نشان می‌دهند. وی در چارچوب رویکرد کنش، به بررسی اصول پایه تجربه فراغت می‌پردازد. پایه‌های رویکرد کنش، پذیرش جسمیت و مکانیت کنشگران فراغت و پیامدهای آن است. منظور از جسمیت این است که کنش‌های هر فرد، از ترکیب ژنتیک، ویژگی‌های ذهنی- جسمی، گذشته و دوره اولیه زندگی فرد، جنسیت، طبقه، منزلت و سایر مناسبت‌های قدرت تأثیر می‌پذیرد. منظور از مکانیت این است که هر فردی، از لحاظ فرهنگی و فضایی در یک موقعیت قرار دارد و این موقعیت، با باورها، ارزش‌ها و شبکه روابط متمایز پیوند دارد (همان: ۷۹). همان‌طور که گفته شد، روجک الگوهای گذران فراغت را در ارتباط با جسمیت و مکانیت در نظر می‌گیرد. این مفاهیم، بر بسترها و منابعی دلالت دارند که در تلاقی با یکدیگر، جوانان را در انتخاب و تعیین مسیرهای فراغتی جهت می‌بخشند. از جمله این بسترها می‌توان به عوامل زمینه‌ای نظیر جنسیت، وضعیت تأهل و سن اشاره کرد. در بحث منابع نیز نقش و جایگاه منابع و سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و شبکه‌های روابط و سرمایه اجتماعی مورد نظر است. در نمودار ۱ ارتباط این متغیرها آمده است.



نمودار ۱. مدل تحلیلی بسترها و منابع گذران فراغت جوانان

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان بهره‌مندی جوانان از سرمایه اقتصادی و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان بهره‌مندی جوانان از سرمایه فرهنگی و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان بهره‌مندی جوانان از سرمایه اجتماعی و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جنسیت جوانان و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل جوانان و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین سن جوانان و الگوهای گذران اوقات فراغت، رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب کمی و به روش پیمایشی به انجام رسیده است. جامعه آماری پژوهش، شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال استان کردستان است. به‌علت بافت چندفرهنگی با صبغه

قومیتی و مذهبی و شرایط اقتصادی متفاوت و پراکندگی جغرافیایی در مقایسه با دیگر شهرهای استان، افراد نمونه از میان جوانان سه شهر سنندج، قروه و بانه انتخاب شدند که جمعیت آنها بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. جمعیت جوانان استان کردستان

حجم نمونه	زن	مرد	کل جمعیت	
۱۸۰	۵۵،۹۳۴	۵۴،۴۷۴	۱۱۰،۴۰۸	سنندج
۱۰۰	۹۹۵۴	۹۱۷۷	۱۹،۱۳۱	قروه
۱۲۰	۱۱،۵۸۸	۱۱،۲۵۱	۲۲،۸۳۹	بانه
۴۰۰	۱۳۸،۹۹۶	۱۳۳،۸۱۵	۲۷۲،۸۱۱	استان

بر اساس فرمول کوکران- که در آن، $t=1/96$ (تعداد اشتباه استاندارد برای ضریب اطمینان قابل قبول)، $d=0/05$ ، (دقت احتمالی مطلوب) و $S2=0/25$ (واریانس پدیده مورد مطالعه) بود- حجم نمونه ۳۸۱ نفر به دست آمد که برای اطمینان بیشتر و جلوگیری از نقص پوشش و بی‌جوابی، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. انتخاب آنها نیز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت.

تعاریف نظری و عملیاتی سازی متغیرها

گذران فراغت: فراغت، فعالیتی است که در آن، اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، استعدادهای خود را می‌پروراند و شخصیت خود را رشد می‌دهند (تورکیلدسن، ۱۹۹۷). استیپنز (۱۹۹۲ و ۲۰۰۱) تجربه فراغت عادی^۱ و غیرعادی^۲ را از هم تفکیک می‌کند. فراغت عادی، صورت‌ها و تجربه‌هایی از فراغت است که سبب تخلیه انرژی، خنده و شادی، مصرف متظاهرانه و دور شدن از کسالت‌های روزمره می‌شود یا انگیزه به‌کارگیری و تقویت مهارت‌های فردی در بازتولید فرهنگی است که می‌توان آن را به‌نوعی، صحه‌گذاشتن بر عادت‌های خود به‌شمار آورد (استیپنز، ۲۰۰۱: ۸۸). استیپنز فراغت عادی را در دو مفهوم جدی^۳ و غیرجدی^۴ تقسیم‌بندی می‌کند: در تجربه فراغت جدی، منفعت‌های ماندگاری مانند

1. usual model leisure
2. unusual model leisure
3. serious leisure
4. non-serious leisure

خودشکوفایی، خودغنابخشی، تقویت خودانگاره و افزایش همبستگی وجود دارد (روجک، ۱۳۸۸: ۲۶۰)، اما فراغت غیرجدی، فعالیت غیرحرفه‌ای اختیاری با انگیزه رسیدن به رضایت درونی، لذت یا استفاده از فرصت‌ها و بدون سازمان‌دهی سامانه‌ای و منظم و نداشتن فعالیت برنامه‌مند است (همان: ۲۶۱). تجربه فراغت غیرعادی، صورت‌ها و تجربه‌هایی از فراغت است که به خود و دیگران آسیب می‌رساند و در اغلب موارد، آسیب قلمداد می‌شود (روجک، ۲۰۰۲: ۷۶). روجک فراغت غیرعادی را در ابعاد تهاجمی، زهرآگین و وحشیانه مفهوم‌سازی کرده است. از نظر روجک، این سه نوع اصلی، در جامعه غیردینی شهری- صنعتی وجود دارد؛ بنابراین، با توجه به بافت دینی جامعه مورد بررسی و مقتضیات متفاوت جوانان ایرانی، بعد از مطالعات اکتشافی و لحاظ کردن این تفاوت‌ها، فراغت غیرعادی در قالب دو صورت نابهنجار و غیرقانونی مفهوم‌سازی شده است. منظور از صورت نابهنجار، تجاربی است که سبب می‌شود فرد از ایجاد روابط پربار و غنی با دیگران بازماند. منظور از صورت غیرقانونی نیز بعضی فعالیت‌ها نظیر مصرف مواد مخدر است که با وجود مجرمانه بودن صبغه فراغتی پیدا کرده است (هریس، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

با اذعان به ماهیت پیچیده و چندبعدی الگوهای گذران فراغت و با تأسی از مطالعات تجربی مرتبط (استینز، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱؛ روجک، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶)، فراغت عادی در ابعاد جدی (شرکت در اردوها و تورها، مسافرت، حضور در پایگاه‌های فراغتی، فعالیت‌های ورزشی، علمی، آموزشی، هنری و مذهبی، سرگرمی‌ها و بازی‌های فکری، عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و...) و غیرجدی (شرکت در مهمانی‌های خانوادگی، تماشای ویتترین مغازه‌ها، بازی‌های محفلی، مصرف رسانه‌های جمعی)، فراغت مجازی (رفتن به پارک و مجموعه‌های تفریحی، پرسه‌زنی، تماشای مسابقات ورزشی، انجام بازی‌های کامپیوتری، ماندن در خانه، ماشین‌رانی، گردش در طبیعت و...) و فراغت غیرعادی (در ابعاد نابهنجار گوشه‌گیری، تماشای فیلم‌های مستهجن، سیگارکشیدن، ولگردی و اتلاف وقت، اعتیاد به رسانه‌های جمعی، خواب زیاد و...) و غیرقانونی (اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، عضویت در باندهای خلافکار، درگیری با دیگران، آتش‌بازی، ویراژدادن و سرعت بالای ماشین، تهدید و ترساندن دیگران، مزاحمت تلفنی، تخریب اموال عمومی و...) در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

نحوه احتساب نمره هر فرد: گویه‌ها براساس طیف جمع نمرات لیکرت طراحی شد؛ به‌عنوان مثال، برای سنجش متغیر الگوهای گذران اوقات فراغت غیرعادی، ۲۲ گویه در نظر گرفته شد.

در مقابل هر گویه، یک طیف پنج‌گزینه‌ای از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم قرار می‌گیرد. گویه‌های مزبور، از حیث مثبت یا منفی بودن با یکدیگر تفاوت دارند. حداکثر نمره فرد ۱۱۰ و حداقل ۲۲ است.

میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی: مجموعه دارایی‌هایی است که قدرت اقتصادی را تعیین می‌کند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴). در این پژوهش، سرمایه اقتصادی در ابعاد دوگانه میزان درآمد (در خانواده) و دارایی‌های مادی و وسایل رفاهی (با معرف‌های برخورداری از وسایل رفاهی، قیمت منزل مسکونی) عملیاتی و در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی: حاصل انباشت منابع بالقوه و بالفعلی است که به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده در بین افرادی مربوط است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود (بورديو، ۲۰۰۲: ۸۸). این متغیر در دو بعد ذهنی-شناختی (اعتماد عمومی، نهادی و آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی) و رفتاری-مشارکتی (مشارکت خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه) در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی: به دارایی‌های مجسم‌کننده و ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که در سه بعد عینیت‌یافته (برخورداری از اشیای مادی و کالاهای فرهنگی مانند، نوشته، کتاب، نقاشی، مجسمه، مصنوعات فرهنگی، ابزارهای موسیقی و...)، تجسیدی (تمایلات فرهنگی و اجتماعی، قابلیت‌ها، دانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عملی) و نهادینه‌شده (برخورداری از مدارک دانشگاهی و سطح تحصیلات والدین) در سطح ترتیبی عملیاتی شده است (بورديو، ۲۰۰۲: ۸۸).

برای بالابردن اعتبار پرسشنامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با استفاده از نظرات و مشورت با صاحب‌نظران بررسی شد؛ علاوه‌براین، در تدوین پرسش‌ها یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی، از سؤالات مشابه پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی استفاده شد. در مرحله بعد، از آنجاکه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، چه در سطح توصیفی و چه در سطح تبیینی، نیاز به شاخص‌سازی بود، از روش اعتباریابی^۱ شاخص‌ها استفاده شد. در همین زمینه، در ساختن شاخص‌های الگوهای گذران فراغت، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی، اعتبار معرف‌ها با محاسبه ماتریس همبستگی معرف‌های مورد نظر تعیین شد و از این طریق، معرف‌های مناسب برای ساختن

شاخص به‌کار رفت. در مرحله بعد، برای سنجش اعتبار درونی شاخص‌های مذکور، از روش تحلیل گویه^۱ استفاده شد. بدین ترتیب که همبستگی بین شاخص‌های ساخته‌شده و تک‌تک گویه‌ها و معرف‌های تشکیل‌دهنده آن بررسی شد. با توجه به مثبت‌بودن همبستگی و معناداربودن آن در سطح ۰/۰۱ و بالاتر، شاخص‌های مربوط به متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، اعتبار درونی داشتند. برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسشنامه، از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. جدول ۲ نتایج تحلیل متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آزمون پایایی
۱	گذران فراغت عادی	۶۴	۰/۸۹۷
۲	گذران فراغت غیرعادی	۲۲	۰/۹۱
۳	میزان سرمایه اجتماعی	۲۸	۰/۸۱۲
۴	میزان سرمایه فرهنگی	۱۸	۰/۸۴۶
۵	میزان سرمایه اقتصادی	۸	۰/۷۹۱

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی و موقعیت اجتماعی پاسخگویان

جمعیت نمونه این پژوهش، شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله است که ۳۶/۵ درصد ۱۸-۲۱، ۳۴/۷ درصد ۲۲-۲۵ و بقیه ۳۸-۴۵ سال دارند. به‌لحاظ جنسیتی، ۵۰ درصد افراد مرد و ۵۰ درصد زن هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۲/۳ درصد (۲۴۹ نفر) مجرد و ۳۷/۷ درصد (۱۵۱ نفر) متأهل‌اند. از نظر سطح تحصیلات، ۳/۳ درصد بی‌سواد و ابتدایی هستند. ۹/۵ درصد تحصیلات راهنمایی، ۱۰ درصد متوسطه، ۳۹/۵ درصد دیپلم، ۱۱ درصد کاردانی، ۲۴/۳ درصد لیسانس و ۲/۵ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس دارند. به‌لحاظ درآمد، ۱۹/۸ درصد کمتر از ۷۰۰ هزار تومان، ۲۵/۳ درصد ۷۰۰ هزار تا یک میلیون تومان، ۲۴/۳ درصد ۱ میلیون تا ۱/۵ میلیون تومان، ۱۹ درصد ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون تومان و بقیه بالاتر از ۲/۵ میلیون تومان درآمد دارند.

توصیف آماری الگوهای گذران فراغت جوانان

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار الگوی گذران فراغت جوانان را نشان می‌دهد. براساس نتایج، میانگین اوقات فراغت عادی ۳۹/۲ و میانگین اوقات فراغت غیرعادی ۳۶/۸ است که بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ پایین ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد فراغت عادی، فراغت غیرجدی جایگاه اولیه دارد و پس از آن، فراغت جدی قرار گرفته است. همچنین در میان ابعاد فراغت غیرعادی، میانگین الگوی فراغت نابهنجار ۴۲/۷ بیشتر از میانگین فراغت غیرقانونی ۳۱/۷ است.

جدول ۳. آماره‌های الگوهای گذران فراغت^۱

الگوهای گذران اوقات فراغت	ابعاد	توزیع درصدی										
		آماره‌ها			زیاد			کم				
		حد اکثر	حد اقل	انحراف معیار	میانگین	میان	درصد	فروانی	متوسط	درصد	فروانی	
عادی	جدی	۲۸۳	۷۰/۸	۸۹	۲۲/۲	۲۸	۷	۳۲/۰۱	۵۷	۱۰/۶۴۲	۳۸	۱۰/۹
	غیرجدی	۱۶۷	۴۱/۸	۱۴۲	۳۵/۵	۹۱	۲۲/۷	۴۶/۵	۵۹	۱۲/۵۹۵	۳۲	۹۴
	جمع	۲۴۷	۶۱/۸	۱۰۳	۲۵/۸	۵۰	۱۲/۳	۳۹/۲	۱۱۴	۱۷/۰۳	۷۰	۲۰۳
غیرعادی	نابهنجار	۳۱۱	۷۷/۸	۶۶	۱۶/۵	۳۳	۵/۸	۴۲/۷	۲۷	۶/۹۳۶	۱۶	۶۳
	غیرقانونی	۳۳۴	۸۱	۶۰	۱۵	۱۶	۴	۳۱/۲	۱۳	۶/۷۷۳	۹	۴۱
	جمع	۳۲۷	۸۱/۷	۵۶	۱۴	۱۷	۴/۳	۳۶/۹	۴۱	۱۲/۳۰۵	۲۵	۱۰۴

توصیف آماری متغیرهای مستقل (میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه)

جدول ۴. توزیع درصدی شاخص و ابعاد میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه

ابعاد میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه	توزیع درصدی										
	آماره‌ها			زیاد			متوسط			کم	
	حد اکثر	حد اقل	انحراف معیار	میانگین	میان	درصد	فروانی	متوسط	درصد	فروانی	
بعد ذهنی - شناختی	۱۹۸	۴۹/۵	۱۷۱	۴۲/۸	۳۱	۷/۸	۴۶/۴	۳۴	۶/۹۱۰	۲۱	۶۰

۱. به منظور سهولت فهم، میانگین الگوهای گذران اوقات فراغت با مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده است. صفر به معنای پایین‌ترین و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان الگوهای گذران اوقات فراغت است.

ادامه جدول ۴. توزیع درصدی شاخص و ابعاد میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه

حداکثر	حداقل	آماره‌ها	توزیع درصدی								ابعاد میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه				
			زیاد				متوسط					کم			
			میانگین	میانگین	درصد	فراوانی	میانگین	میانگین	درصد	فراوانی		میانگین	میانگین	درصد	فراوانی
۶۱	۱۶	۸/۸۸۹	۳۵	۵۲/۹	۲۴/۵	۹۸	۴۶/۵	۱۸۶	۲۹	۱۱۶	بعد رفتاری - مشارکتی شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی				
۱۱۰	۵۰	۱۲/۱۲۹	۶۹	۴۹/۳	۱۶/۳	۶۵	۳۶	۱۴۴	۴۷/۸	۱۹۱	تجسم یافته عینیت یافته نهادینه شده شاخص ترکیبی سرمایه فرهنگی				
۶۴	۱۳	۱۲/۱۱۲	۲۳	۳۶/۵	۹	۳۶	۲۱	۸۴	۷۱	۲۸۴	درآمد				
۲۵	۶	۳/۰۸۵	۱۴	۴۷/۸	۱۳	۵۲	۳۳/۲	۱۳۳	۵۳/۸	۲۱۵	دارایی‌های مادی شاخص ترکیبی سرمایه اقتصادی				
۲۱	۴	۲/۴۴	۹	۴۹/۷	۱۵	۶۰	۴۸/۲	۱۹۲	۳۶/۸	۱۴۸					
۱۱۰	۲۳	۱۴/۵۵۶	۴۷	۴۴/۷	۵/۸	۲۳	۳۹	۱۵۶	۵۵/۳	۲۲۱					
۵	۱	۱/۲۸۷	۳	۵۵/۵	۳۰/۸	۱۲۳	۲۴/۲	۹۷	۴۵	۱۸۰					
۲۵	۵	۴/۰۰۲	۱۳	۵۲/۷	۲۶/۳	۱۰۵	۳۳/۲	۱۳۳	۴۰/۵	۱۶۲					
۳۰	۶	۴/۵۶۶	۱۶	۵۳/۲	۲۷	۱۰۸	۳۳	۱۳۲	۴۰	۱۶۰					

با توجه به جدول ۴، میانگین میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی (نمونه کل) ۴۹/۳ است که بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی شده است. میانگین ابعاد ذهنی - شناختی ۴۶/۴ و رفتاری - مشارکتی ۵۲/۴ به ترتیب پایین و متوسط ارزیابی می‌شود. میانگین بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی در نمونه‌های مورد بررسی (۴۴/۷)، از لحاظ اغلب مؤلفه‌های مرتبط با آن پایین است.

در میان ابعاد سه‌گانه میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی، بعد تجسم‌یافته دارای کمترین میانگین (۳۶/۵) است و ابعاد عینیت‌یافته (۴۷/۸) و نهادینه (۴۹/۷) در مراتب بعدی جای دارند؛ علاوه-براین، میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی (۵۳/۲)، از لحاظ اغلب مؤلفه‌های مربوط به آن در حد متوسط است.

تحلیل دو متغیره

تفاوت میانگین الگوهای گذران اوقات فراغت عادی و غیرعادی بر حسب جنسیت

جدول ۵. تفاوت میانگین الگوهای گذران اوقات فراغت بر حسب جنسیت

الگوهای گذران فراغت	آزمون لیون		میانگین مردان	میانگین زنان	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig.)
	مقدار F	معناداری							
عادی	۱/۲۹۱	۰/۲۵۸	۱۲۱/۹۱	۱۱۷/۶۵	۱۶/۹۵	۴/۲۶	۲/۹۳۸	۳۹۸	۰/۰۰۹
غیرعادی	۱/۱۶۵	۰/۲۸۲	۴۱/۵۹	۴۲/۵۵	۱۲/۵۶	-۰/۹۶	-۱/۵۹۶	۳۹۸	۰/۱۱۱

با توجه به اطلاعات جدول ۵، سطح معناداری آزمون لیون بیش از ۵ درصد است و تحلیل واریانس با فرض برابری دو گروه را نشان می‌دهد. نتایج آزمون t نشان می‌دهد تفاوت معناداری در میانگین اوقات فراغت عادی زنان و مردان وجود دارد، اما تفاوت معناداری در میانگین الگوی فراغت غیرعادی زنان و مردان دیده نمی‌شود.

تفاوت میانگین الگوهای گذران اوقات فراغت عادی و غیرعادی بر حسب وضعیت تأهل

جدول ۶. تفاوت میانگین الگوهای گذران اوقات فراغت بر حسب وضعیت تأهل

الگوهای گذران فراغت	آزمون لیون		میانگین مجرد	میانگین تأهل	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig.)
	مقدار F	معناداری							
عادی	۰/۱۷۴	۰/۶۷۷	۱۲۲/۳۱	۱۱۶/۴	۱۶/۱۷	۵/۹۱	۳/۴۱۰	۳۹۸	۰/۰۰۱
غیرعادی	۰/۵۱۰	۰/۴۷۶	۴۶/۰۷	۳۶/۹۹	۱۳/۲۶	۹/۰۸	۷/۵۵۱	۳۹۸	۰/۰۰۰

با توجه به اطلاعات جدول ۶، سطح معناداری آزمون لیون بیش از ۵ درصد است و تحلیل واریانس با فرض برابری دو گروه را نشان می‌دهد. نتایج آزمون t نشان می‌دهد میانگین اوقات فراغت عادی برای افراد مجرد، بالاتر از افراد متأهل است و این تفاوت معنادار است. همچنین تفاوت معناداری در میانگین اوقات فراغت غیرعادی افراد مجرد و متأهل وجود دارد.

تحلیل دومتغیری الگوهای گذران اوقات فراغت با متغیرهای مستقل

جدول ۷. ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با الگوهای گذران اوقات فراغت

الگوهای گذران اوقات فراغت						متغیرهای مستقل	
غیرعادی			عادی				
معناداری	گاما	کنندال تا اوبی	معناداری	گاما	کنندال تا اوبی		
۰/۰۸۲	-۰/۰۹۷	-۰/۰۷۵	۰/۱۰۲	۰/۰۹۲	۰/۰۷۲	ذهنی-شناختی	میزان
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۱	-۰/۲۶۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	۰/۲۷۳	رفتاری- مشارکتی	بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۲۹۱	-۰/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۳۵۰	۰/۳۰۰	شاخص ترکیبی	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۸	-۰/۲۶۴	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۰	۰/۵۲۴	۰/۴۰۰	تجسم‌یافته	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۱۹۹	-۰/۱۵۲	۰/۰۰۰	۰/۴۰۵	۰/۳۹۲	عینیت‌یافته	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۹	-۰/۱۹۵	-۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۹۷	۰/۳۱۲	نهادینه‌شده	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۵	-۰/۱۹۸	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۰	۰/۶۳۳	۰/۴۸۴	شاخص ترکیبی	فرهنگی
۰/۰۵۸	۰/۱۰۵	۰/۰۸	۰/۰۶۵	۰/۱۰	۰/۰۸۱	درآمد	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۰/۲۷۷	۰/۲۱۹	دارایی‌های مادی	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۲۹	۰/۱۸۲	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷	۰/۱۳۸	شاخص ترکیبی	اقتصادی
۰/۰۰۰	-۰/۲۶۹	-۰/۱۹۶	۰/۰۶۵	۰/۱۰	۰/۰۸۱	سن	میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی

با توجه به سطح سنجش ترتیبی متغیرهای مورد بررسی و برابری سطر و ستون در جداول، از ضریب کندال تا اوبی استفاده شده است. همچنین ضریب گاما بهترین آماره برای متغیرهای ترتیبی است که به صورت توافقی تنظیم شده‌اند و برای همه جداول، اعم از مربع یا مستطیل به کار می‌روند. براساس اطلاعات جدول ۷، الگوهای گذران فراغت (عادی و غیرعادی)، با میزان بهره‌مندی جوانان از اشکال سرمایه، رابطه معنادار دارند. به بیان دیگر، با افزایش بهره‌مندی

جوانان از منابع و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، فراغت عادی برای جوانان افزایش و فراغت غیرعادی کاهش می‌یابد. میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی، با الگوی گذران فراغت عادی و غیرعادی، همبستگی مثبت دارد. همچنین با افزایش سن پاسخگویان، فراغت غیرعادی برای جوانان کاهش می‌یابد. در جدول ۷ نتایج تحلیل همبستگی ابعاد مختلف میزان بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و الگوهای گذران فراغت منعکس شده است. براساس داده‌های جدول، بعد رفتاری- مشارکتی سرمایه اجتماعی و بعد تجسم‌یافته سرمایه فرهنگی، بیشترین همبستگی را با گذران فراغت عادی دارند. در میان ابعاد سرمایه اقتصادی، تأثیر بعد دارایی‌های مادی بر رغبت جوانان به الگوهای عادی فراغتی، بیشتر از بعد درآمد است.

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره اوقات فراغت عادی

جدول ۸. نتایج تحلیل رگرسیون اوقات فراغت عادی

متغیرها	مقدار B	خطای استاندارد میانگین	مقدار Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R square جمعی
میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی	۰/۲۶۴	۰/۰۳۹	۰/۳۲۲	۶/۷۶۸	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶
میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی	۰/۱۸۰	۰/۰۴۶	۰/۱۸۳	۳/۸۹۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸۲
سن	۰/۴۷۰	۰/۱۶۶	۰/۱۳۲	۲/۸۲۳	۰/۰۰۵	۰/۴۰۴
مقدار ثابت	۳۰/۵۵	۵/۲۳۹	-	۵/۸۳۳	۰/۰۰۰	-

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، این امکان را فراهم می‌کند که رابطه یکایک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، با کنترل اثر آماری سایر متغیرهای مستقل رابطه مطالعه شود و از اضافه برآورد کردن میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل ناشی از همبستگی بین آن‌ها جلوگیری شود. با توجه به سطح سنجش متغیرها، خطی بودن رابطه، نرمال بودن توزیع داده‌ها و برابری واریانس‌ها، به‌منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل و تنظیم معادله پیش‌بینی، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. براساس داده‌های جدول ۸، از میان متغیرهای مستقل، متغیر میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت عادی جوانان تأثیر بسیاری دارد و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (۰/۳۳۶)، از همه

ضرایب بتا بیشتر است و بیشترین اثر را بر متغیر وابسته (اوقات فراغت عادی) اعمال کرده است. متغیر مستقل بعدی که وارد معادله شده است، میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی است. با اضافه شدن این متغیر به معادله رگرسیون، ضریب تعیین به ۰/۳۸۲ افزایش می‌یابد. آخرین متغیر مستقل، سن است. با اضافه شدن این متغیر، قدرت تبیین به ۴۰/۴ درصد می‌رسد. بدین ترتیب، از فرضیه‌های تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، سه فرضیه تأیید می‌شوند و این سه متغیر با هم، ۴۰ درصد تغییرات الگوی اوقات فراغت عادی را تبیین می‌کنند. معادله رگرسیونی پیش‌بینی الگوی اوقات فراغت عادی نشان می‌دهد با افزایش یک واحد میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی، الگوی اوقات فراغت عادی ۰/۲۶۴ واحد و با افزایش یک واحد میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی، الگوی اوقات فراغت عادی ۰/۱۸۰ واحد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد سن، الگوی اوقات فراغت عادی ۰/۴۷۰ واحد افزایش می‌یابد.

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره اوقات فراغت غیرعادی

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون اوقات فراغت غیرعادی

متغیرها	مقدار B	خطای استاندارد میانگین	مقدار Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R square
سن	-۰/۵۲۰	۰/۰۹۹	-۰/۲۵۱	-۵/۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۷۴
میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی	-۰/۰۹۶	۰/۰۲۷	-۰/۱۶۸	-۳/۵۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۲۰
میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی	۰/۱۹۸	۰/۰۷۳	۰/۱۳۰	۲/۷۲۴	۰/۰۰۷	۰/۳۴۵
مقدار ثابت	۴۴/۳۳۶	۳/۴۴۴	-	۱۲/۸۷۲	۰/۰۰۰	-

نتایج تحلیل رگرسیونی اوقات فراغت غیرعادی در جدول ۹ نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقل، سن بر اوقات فراغت غیرعادی جوانان بسیار اثرگذار است و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (۰/۲۷۴) از همه ضرایب بتا بیشتر است و بیشترین اثر را بر متغیر وابسته (اوقات فراغت غیرعادی) اعمال کرده است. متغیر مستقل بعدی که وارد معادله شده است، میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی است. با افزودن این متغیر به معادله، تغییرات اوقات فراغت غیرعادی به ۳۲ درصد افزایش می‌یابد. آخرین متغیر معادله، میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی است. با افزودن این متغیر، قدرت تبیین به ۳۴ درصد می‌رسد. این

سه متغیر با هم، ۳۴ درصد تغییرات فراغت غیرعادی جوانان را تبیین می‌کنند. معادله رگرسیونی پیش‌بینی الگوی اوقات فراغت غیرعادی نشان می‌دهد با افزایش یک واحد سن، الگوی اوقات فراغت غیرعادی ۰/۵۲ واحد و با افزایش یک واحد میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی، الگوی اوقات فراغت غیرعادی ۰/۰۹۶ واحد کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی، الگوی اوقات فراغت غیرعادی ۰/۱۹۸ واحد افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، به‌منظور بررسی وضعیت گذران فراغت جوانان و بسترها و منابع مربوط به آن انجام شد. براساس یافته‌های توصیفی، ۳۸/۲ درصد وقت جوانان، در قالب برنامه‌های فراغتی سپری می‌شود. بررسی صورت‌های فراغت و ابعاد آن نشان می‌دهد میانگین فراغت عادی جوانان، بیشتر از فراغت غیرعادی است. در میان ابعاد فراغت عادی و غیرعادی، بالاترین میانگین به فراغت غیرجدی (۴۶/۵ درصد) اختصاص دارد. به بیان دیگر، تجربه فراغتی جوانان، عمدتاً معطوف به سرگرمی، لذت‌طلبی و وقت‌گذرانی است. به‌زعم استیبنز، فراغت غیرجدی، منبع مهمی برای هویت‌یابی و جذب کسانی است که با ارزش‌های فراغت جدی و به‌ویژه معانی ضمنی اجتماع، نظم و حیثیت سازگاری ندارند یا اینکه می‌خواهند محرومیت‌های کاری را جبران کنند (استیبنز، ۲۰۰۱: ۶۶). همچنین نحوه گذران اوقات فراغت ۳۷ درصد از جوانان مورد بررسی، ماهیت غیرعادی (نابهنجار و غیرقانونی) دارد. به‌عبارتی، آن‌ها اوقات فراغت خود را در مهمانی‌های دوستانه یا با گشت‌وگذار در خیابان‌ها و پاساژها می‌گذرانند و وقت خود را کمتر در محیط‌های فرهنگی، علمی یا مذهبی بهنچار سپری می‌کنند. بعد از فراغت غیرجدی با میانگین ۴۶/۵ درصد، فراغت نابهنجار با میانگین ۴۲/۷ درصد در مرتبه دوم جای گرفته است. به بیان دیگر، گذران فراغت این دسته از جوانان، معطوف به خواب زیاد، گوشه‌گیری و تنهایی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه، کشیدن سیگار و قلیان و پرسه‌زنی است. یافته‌های مزبور به‌نوعی مؤید آسیب‌زا بودن گذران فراغت در جمعیت آماری است. بی‌گمان استفاده بسیار از رسانه‌های نوین ارتباطی، در مسئله‌زاشدن الگوهای فراغتی جوانان و معطوف‌شدن آن به فراغت غیرجدی و نابهنجار بی‌تأثیر نیست. این تحولات تکنولوژیک، علاوه‌بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیازهای ارتباطی جوانان، بر گذران اوقات فراغت آن‌ها تأثیر

گذارده است. دو فرایند رسانه‌ای شدن و خانگی شدن، گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان در جوامع معاصر را توصیف می‌کنند (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲).

براساس نتایج، الگوهای گذران فراغت جوانان مورد بررسی، از عوامل بستری و زمینه‌ای تأثیر می‌پذیرد. نتایج نشان می‌دهد میانگین اوقات فراغت عادی در میان مردان، بالاتر از زنان است و میانگین الگوی فراغت غیرعادی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری با هم ندارد. این یافته مؤید مطالعات تجربی موحد و دسترنج (۱۳۹۲)، عنایت و حسینی (۱۳۹۲)، ادریسی و همکاران (۱۳۹۱)، رفعت‌جاه (۱۳۹۰)، هاس و همکاران (۲۰۰۴) و برادلی و انگلس (۲۰۱۲) است. بعضی از نظریه‌ها نیز این یافته را تأیید می‌کنند. رابرتز، جنسیت را مبنای مفهوم ساختار در تحلیل اوقات فراغت می‌داند (ویل، ۲۰۰۲: ۳۶۲). میانگین اوقات فراغت در دو الگوی عادی و غیرعادی در بین افراد مجرد و متأهل، تفاوت معناداری با هم دارد؛ بدین ترتیب که در نزد افراد متأهل، اوقات فراغت عادی و در نزد مجردان، اوقات فراغت غیرعادی بیشتر است. این یافته، با نتایج مطالعات ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، هاشمی و نجفی زند (۱۳۸۹)، واگنر (۲۰۰۶)، لیندسترم و همکاران (۲۰۰۳) هم‌راستا است. همچنین میزان سن با اوقات فراغت عادی رابطه معناداری ندارد، اما با الگوی فراغت غیرعادی رابطه معنادار و معکوس دارد. این یافته، با مطالعات ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، هاشمی و نجفی زند (۱۳۸۹)، هاس و همکاران (۲۰۰۴)، لیندسترم و همکاران (۲۰۰۳)، ویل (۱۹۹۳) همخوانی دارد.

بر مبنای مفروضات نظری پژوهش حاضر، الگوهای گذران فراغت در کنار عوامل بستری، از منابع در دسترس جوانان تأثیر می‌پذیرد. یافته‌های توصیفی مؤید آن است که میزان بهره‌مندی جمعیت آماری از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، چندان زیاد نیست. بررسی رابطه اشکال سرمایه با الگوهای گذران فراغت نشان می‌دهد با افزایش میزان بهره‌مندی جوانان از منابع و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، فراغت عادی در نزد جوانان افزایش و فراغت غیرعادی کاهش می‌پذیرد. با این وصف، سرمایه اقتصادی الگوی کاملاً متفاوتی را به نمایش می‌گذارد؛ بدین معنا که سرمایه اقتصادی، با الگوی گذران فراغت عادی و غیرعادی همبستگی مثبتی دارد؛ هرچند تأثیر تقویت‌کنندگی آن بر فراغت غیرعادی، بیشتر از فراغت عادی است. این یافته با نتایج مطالعات ایمان و روحانی (۱۳۹۲)، عنایت و حسینی (۱۳۹۲)، ربانی و شیری (۱۳۸۸)، خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷)، ابراهیمی و مسلمی (۱۳۹۰)، پنارد و پوسینگ (۲۰۱۰)، سرین و لسلی (۲۰۰۸)، می‌نارد و کلیبر (۲۰۰۵) و لیندسترم و همکاران (۲۰۰۳) همخوانی دارد. بررسی

مؤلفه‌های اشکال سه‌گانه سرمایه نشان می‌دهد بعد رفتاری - مشارکتی سرمایه اجتماعی و بعد تجسیدی سرمایه فرهنگی با گذران اوقات فراغت عادی رابطه مستقیم معنادار و با گذران اوقات فراغت غیرعادی، رابطه معکوس معنادار دارد. این امر نشان می‌دهد یکی از راه‌های ترغیب جوانان به شیوه‌های عادی فراغت، ادغام اجتماعی جوانان، مهیاکردن زمینه‌های عضویت در شبکه‌های اجتماعی و افزایش قابلیت‌ها، دانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عملی و رفتاری جوانان است.

تحلیل رگرسیون برای اوقات فراغت عادی و غیرعادی نشان می‌دهد به ترتیب اهمیت، متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سن، در مجموع، ۴۰/۴ درصد تغییرات الگوی اوقات فراغت عادی و متغیرهای سن، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، در مجموع ۳۴/۵ درصد تغییرات الگوی اوقات فراغت غیرعادی را تبیین می‌کنند. در مجموع، با توجه به نظریه بورديو، گذران فراغت برحسب انواع سرمایه تغییر می‌کند. افراد، متأثر از سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به الگوهای فراغتی خاصی هدایت می‌شوند. سرمایه‌های مختلف، نقش یکسانی در گزینه‌های فراغتی افراد ایفا نمی‌کنند و با وجود اهمیت سرمایه اقتصادی، در عمل برای جوانان، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، برجستگی بیشتری یافته است. با توجه به اهمیت زیاد سرمایه اجتماعی و فرهنگی، درباره اوقات فراغت باید طرح‌هایی اجرا و تدابیری اندیشیده شود که سرمایه اجتماعی و فرهنگی جوانان را افزایش دهد. همچنین براساس نظریه روجک و رویکرد کنش، فراغت به مثابه نیروی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌شود که کنشگران را به تعیین مسیرهای تجربه فراغت مقید می‌سازد. این مسیرها نیز کنشگران را از هم تفکیک می‌کنند؛ بنابراین، مسیرهای فراغت افراد در چارچوب معیارهای طبقاتی، فرهنگی، جنسیتی، دینی و منزلتی متمایز و رده‌بندی می‌شوند (روجک، ۲۰۰۶: ۳۷۲). بر مبنای رویکرد کنش، با وجود تأثیرپذیری مسیرهای فراغتی افراد از منابع در دسترس، الگوهای گذران فراغتی نیز از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن در ارتقای منابع در دسترس افراد در زندگی روزمره، مؤثرند (روجک، ۱۳۸۸: ۲۸).

فراغت، در کنار غنای شخصی و لذت‌جویی، نوعی فعالیت کارکردی تلقی می‌شود که اهداف اجتماعی تعریف‌شده‌ای مانند تعاون، همبستگی اجتماعی، درک متقابل و بهزیستی جسمی و روانی به دنبال دارد و مجرای برای ادغام اجتماعی جوانان به شمار می‌آید. به قول روجک، دیگر نمی‌توان گفت تجربه گذران فراغت به بقیه جامعه ارتباطی ندارد؛ پیامدهای این

وضع برای صورت‌ها و تجربه‌های گوناگون گذران فراغت، پدیده و گریزناپذیر است. با این‌همه، دولت‌ها در برنامه‌های هزینه عمومی خود، کمتر به این مطلب توجه کرده‌اند و به‌طور معمول، درک جامعی از رابطه میان فراغت و کیفیت زندگی و شهروندی فعال ندارند. در پژوهش‌های پیشین در ایران، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان، نتیجه نبود برنامه‌ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت بوده است (سلگی، ۱۳۸۲؛ رفعت‌جاه، ۱۳۸۷؛ کاظمی، ۱۳۸۷).

بر مبنای پژوهش حاضر، میزان بهره‌مندی جوانان از اشکال سرمایه، اندک است. با توجه به تأثیرپذیری گذران فراغت جوانان از منابع در دسترس ضرورت دارد تا حجم منابع در دسترس جوانان افزایش یابد. بدون بهره‌مندی جوانان از انواع سرمایه‌ها نمی‌توان انتظار داشت که صورت‌ها و تجارب فراغتی جوانان، با اصول مراقبت از خود (سلامت جسمی و روانی) و مراقبت از دیگران (گسترش مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه) همراه باشد. از سوی دیگر، با توجه به تأثیرپذیری مسیرهای فراغتی افراد از بسترهای ساختاری، ترتیبات اجتماعی و سیاسی باید به‌گونه‌ای صورت‌بندی و سازماندهی شود که امکان تبدیل انواع سرمایه به‌ویژه سرمایه فرهنگی جوانان به سرمایه اقتصادی و اجتماعی مهیا شود. «رویکرد ارتقایی» یکی از رویکردهای اساسی در سازماندهی اوقات فراغت جوانان است که به تأمین حداکثر نیازهای اساسی افراد، اعم از تعالی اخلاقی، سلامت جسمی و روانی، استقلال و خودشکوفایی، گسترش دانش و آگاهی، گسترش روابط بین‌نسلی، همکاری و مشارکت اجتماعی و حفاظت از میراث فرهنگی و... نظر دارد.

منابع

- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک‌زندگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۸: ۳-۲۷.
- ابراهیمی، قربانعلی و مسلمی‌پطرودی، رقیه (۱۳۹۰)، «اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان، مطالعه موردی شهرستان جویبار»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴: ۷۳-۹۱.
- ادیسی، افسانه؛ رحمانی خلیلی؛ افسانه و حسینی امین، سیده نرگس (۱۳۹۱)، «سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، شماره ۵: ۲۷-۵۰.

- استوری، جان (۱۳۸۶)، *مطالعات فرهنگی در مورد فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
- ایمان، تقی؛ روحانی، علی (۱۳۹۲)، «بررسی مالکیت سرمایه اجتماعی با الگوهای گذران اوقات فراغت»، در *مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*، ۱-۲۱.
- تمنا، سعید (۱۳۹۲)، «فرهنگ دانشگاهی و تأثیر آن بر سبک زندگی و فراغت جوانان»، در *مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*: ۴۵-۸۱.
- تورکیلدسن، جورج (۱۳۸۲)، *اوقات فراغت و نیازهای مردم*، ترجمه عباس حسینی و عباس اردکانیان، تهران: انتشارات نوربخش.
- خواجه‌نوری، بیژن و مقدس، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۲۹: ۱۳۳-۱۵۶.
- ذکائی، سعید (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی جوانان ایرانی*، تهران: آگه.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۳)، «جوانان و فراغت مجازی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۶: ۲۳-۴۱.
- ربانی، رسول و شیرینی، حامد (۱۳۸۸)، «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت در جوانان تهران»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۸: ۲۰۹-۲۴۲.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۷)، *بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۰)، «فراغت و ارزش‌های فرهنگی»، *تحقیقات فرهنگی*، شماره ۱: ۱۵۱-۱۹۰.
- روجک، کریس (۱۳۸۸)، *نظریه فراغت: اصول و تجربه‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر شهر.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۴-۲۱.
- سلگی، محمد و صادق‌پور، بهرام (۱۳۸۲)، *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان*، تهران: پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان.
- عنایت، حلیمه و حسینی، مریم (۱۳۹۲)، «مطالعه جنسیتی الگوهای گذران اوقات فراغت در میان جوانان شهر شیراز و رابطه آن با انواع سرمایه‌ها»، *مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*: ۱۶۶-۱۸۵.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۷)، *بررسی سبک‌های فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته آن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

- موحد، مجید و دسترنج، منصوره (۱۳۹۲)، «مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان شهر بستک»، در مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان: ۲۲۴-۲۳۹.
- هریس، دیوید (۱۳۹۳)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت*، ترجمه سعید ذکایی و سنا چاوشیان، تهران: نشر تیسرا.
- هی‌وود، لس و همکاران (۱۳۸۰)، *اوقات فراغت*، ترجمه محمد احسانی، تهران: امید دانش.
- Bradly, G.L. Inglis, B.C. (2012), "Adolescent Leisure Dimensions, Psychosocial Adjustment, and gender effects", *Journal of Adolescence*, No.35(5):1167-1176.
- Bourdieu, P. Passeron, J.C. (2002), *The Inheritors: French Students and their Relations to Culture*, Chicago: University of Chicago Press.
- Bourdieu, P. (1984), *Distinction: A Social Critique of the Judgments of the Taste*, Translated by Richard Nice, London: Routledge.
- Haasa, A. Steptoe, A. Sallis, J. Wardle, J. (2004), "Leisure time Physical activity in university students from 23 countries", *Preventive medicine journal*, No.39:182-190.
- Lindstrom, M. Moghaddasi, Merlo, J. (2003), "Social Capital and Leisure Time Physical Activity: a Population Based Multilevel Analysis in Malmö, Sweden", *Journal of Epidemiol Community Health*, No.57: 23-28.
- Jarvie, G. Maguire, J. (1994), *Sport and Leisure in Social Thought*, London: Routledge.
- Mckey, J. (1986), "leisure and Social Inequality in Australia", *Journal of Sociology*, No. 22(3):343-367.
- Veal, A.j. (2002), *Society and Leisure*, Sydney: University of Technology.
- Maynard, S. Douglas, K. (2005), *Using Leisure to Build Social Capital in Later Life: Classical Traditions, Contemporary Realities, and Emerging Possibilities*, Eleventh Canadian Congress on Leisure Research, Hosted by Department of Recreation and Tourism Management, Malaspina University-College.
- Rojek, C. (2006), "Representation", In Rojek, C. Shaw, S.M. Veal, A.j(eds) *A Handbook of Leisure Studies*, London: Palgrave Macmillan Ltd.
- Rojek, C. (2006), "Leisure, Culture and Civilization", In Rojek, C. Shaw, S.M. Veal, A.j(eds) *A Handbook of Leisure Studies*, London: Palgrave Macmillan Ltd.
- Stebbins, R.A. (2007), *Serious Leisure: A Perspective for Our Time*, Transaction, New Brunswick: NJ.
- Stebbins R. (2011), "Leisure Reflections Personal Memoirs, Project-Base Leisure and Therapeutic Recreation for Seniors", *LSA Newsletter*, No.88:12-25.
- Wynne, D. (1998), *Leisure, Life Style and the New Middle Class A Case Study*, London and New York, Routledge.